

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

واکاوی بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر فلسطین و ایران

(مورد پژوهانه: هارون هاشم‌رشید و حسین اسرافیلی)

(علمی-پژوهشی)

دکتر محمدتقی جهانی^۱

زهره نورمحمدنهاد^۲

چکیده

ادبیات پایداری از مهمترین سنگرهای فرهنگی شاعران متعهد به‌شمار می‌رود که امروزه بخشی از آثار ادبیات معاصر را به خود اختصاص داده‌است. این رویکرد در جهان عرب، به تدریج پس از آگاهی اعراب از جنبش‌های شکل‌گرفته در اروپا از اواخر قرن نوزدهم میلادی مطرح گردید. در این میان سرزمین فلسطین به‌دلیل تاخت‌وتاز اشغالگران و فجایع انسانی رخ داده در آن همواره در کانون توجه شاعران و نویسندگان بسیاری قرار داشته‌است. از جمله این شاعران هارون هاشم‌رشید، شاعر فلسطینی است که به‌عنوان شاعری متعهد و انقلابی، در برابر مشکلات موجود در وطن خویش سکوت نکرده و به صف شاعران پایداری پیوسته‌است. از سویی دیگر، این رویکرد همگام با سرزمین‌های عربی در میان شاعران ایران نیز رواج بسیار یافته‌است. از جمله شاعران ایرانی که می‌توان تأثیرات ادبیات پایداری را در آثار آنان به‌خوبی مشاهده نمود، حسین اسرافیلی است. نگارندگان در

^۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) m.jahani@ilam.ac.ir

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵-۰۶-۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵-۰۱-۲۱

این جستار با رهیافتی توصیفی - تحلیلی و با رویکرد نقد تطبیقی پس از اشاره به زندگی این دو شاعر به معرفی برخی بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر این دو و بررسی آنها پرداخته‌اند و نتایج تحقیق حاکی از آن است که از جمله درون‌مایه‌های پایداری در شعر این دو شاعر، وطن‌گرایی، تجلیل از شهید و مقام شهدا، دعوت به مبارزه و پایداری و... است و اسلوب رشید در این گونه اشعار، ساده و نزدیک به فهم عامه و اسلوب اسرافیلی، نمادگونه و مبهم است.

واژه‌های کلیدی

ادبیات پایداری، ایران، فلسطین، حسین اسرافیلی، هارون هاشم‌رشید.

۱- مقدمه

ادبیات، فرایندی است که ارتباطی عمیق و ناگسستنی با زندگی و اجتماع بشر دارد و به قول جلال آل احمد «ادبیات دروغ نمی‌گوید». (آل احمد، ۱۳۸۵: ۶۱) این فرایند، گستره‌ای عظیم را دربرمی‌گیرد و به گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متعددی تقسیم می‌گردد که از جمله آنها می‌توان به ادبیات پایداری اشاره نمود که جریانی زنده و سیال و هدایتگر و حاصل حضور در صحنه‌های مخاطره‌آمیز است و آرمان‌هایی را دنبال می‌کند که تنها در سایه مبارزه مستمر تحقق می‌یابند. در تعریف ادبیات پایداری گفته‌اند: «ادب پایداری به مجموعه آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازند.» (شکری، ۱۹۷۹: ۱۰-۱۱) از سوی دیگر با توجه به اینکه تأثیر شعر بر روح و جان انسان بیشتر از نثر است، شاعران در هر دوره‌ای به مثابه‌نخبگان جامعه، نقش بسزایی در آگاهی و بیداری مردم برای دستیابی به آرمان‌های والا دارند و همواره با

سلاح قلم، بسیاری از جنبش‌ها را رهبری می‌کنند و بدین ترتیب بستری مناسب برای تحولاتی بنیادین در بطن اجتماع فراهم می‌سازند. جریان پایداری در شعر شاعران پایداری، مبتنی بر یک نوع ایدئولوژی فکری است که براساس آن، فردیت و منیت از قاموس واژگان آنان به کلی محو می‌گردد و جای خود را به واژه «ما» و اهداف مشترک انسانی می‌دهد و می‌کوشد تا صلح، عدالت و حق‌طلبی را جایگزین اعمال خصمانه و استعماری در سطح جهانی نماید.

۱-۱- بیان مسئله

امروزه ادبیات پایداری یکی از چالش‌برانگیزترین رویکردهای ادبی به‌شمار می‌رود که رسالت مهم آن ستیز با همه انواع ظلم و ستم با به‌کارگیری سلاح قلم و اندیشه راستین است. اولین بارقه‌های این جنبش ادبی به‌معنای امروزی آن با مشاهده ظلم و ستم‌ها، بی‌عدالتی‌ها و رنج‌های انسان به‌زنجیر کشیده عصر تمدن شکل گرفته‌است که همه آنها ناشی از سیر قهقرایی ارزش‌های انسانی و اخلاقی و نیز سنگدلی و بی‌رحمی انسان ماشینی معاصر در قبال ممنوعان خویش بوده‌است. در همین زمینه، رویدادهایی همچون اشغال فلسطین و حمله عراق به ایران از مصادیق بارز این نوع ادبی و بستر ساز بالندگی آن به‌شمار می‌رود. از جمله شاعران طلایه‌دار در زمینه این رویکرد نوین، هارون هاشم‌رشید، شاعر فلسطینی و حسین اسرافیلی، شاعر ایرانی است که همواره قلم خویش را در جهت دفاع از حق و حقانیت به‌کار برده‌اند و رستاخیز قلم آنان سبب آفرینش آثاری فاخر و کم‌نظیر در این حوزه گشته‌است؛ بنابراین، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد نقد تطبیقی به بررسی برخی مؤلفه‌های پایداری در شعر دو شاعر مذکور می‌پردازد و با تحلیل شواهد درون‌متنی می‌کوشد شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان را در این زمینه بررسی نماید. پرسش‌هایی که این جستار در ذمده پاسخگویی به آنهاست، به شرح ذیل است:

- ۱- برجسته‌ترین بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر دو شاعر کدام است و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟
- ۲- انگیزه دو شاعر در پرداختن به این گونه اشعار چه بوده است؟
- ۳- دو شاعر موردنظر برای بیان این گونه اشعار خویش غالباً از چه اسلوب و شیوه زبانی بهره برده‌اند؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

- در مورد ادبیات پایداری و زمینه‌های مرتبط با آن، آثار بسیاری نگاشته شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- ۱- صحبت‌الله حسونند و احمد محمدی‌نژاد پاشاکی، (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی بیداری زنان در شعر حافظ ابراهیم، هارون هاشم‌رشید، قیصر امین‌پور و یوسفعلی میرشکاک» به نقد و بررسی تطبیقی نقش‌آفرینی زنان و حماسه‌سازی آنان در برخی اشعار شاعران مذکور از زوایه زبانی، ادبی و فکری پرداخته‌اند.
- ۲- نجیه فایز الحمود، (۲۰۱۳م) در مقاله خود با عنوان «صورة اللاجئ الفلسطيني في شعر هارون هاشم‌الرشید نموذجاً ديوان مع الغرباء» وضعیت پناهندگان فلسطینی در شعر این شاعر و شرایط اجتماعی سخت آنان و اصرار و پافشاری برای بازگشت به وطن و مقاومت در راه آن و نیز بیان اشتیاق شاعر به وطنش را بررسی کرده است.
- ۳- سلمان بهزادی گودری، (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی درون-مایه‌های پایداری در شعر هارون هاشم‌رشید» به بررسی مصادیق ادبیات پایداری در شعر این شاعر؛ به‌ویژه مسئله فلسطین و ترسیم ابعاد گوناگون مقاومت آن می‌پردازد و وی را از جمله شاعران واقع‌بین و کمال‌گرا به شمار می‌آورد که پس از رویارویی با ستم و بیداد در فلسطین به دنبال اجرای رسالت انسانی خویش حرکت می‌کنند.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

در زمینه ادبیات پایداری، دو کشور فلسطین و ایران از جمله کشورهای هستند که پیشینه‌ای طولانی دارند، لذا با بررسی ادبیات پایداری این دو سرزمین علاوه بر اینکه می‌توان به اشتراکات دینی، فرهنگی و... آنان پی‌برد، می‌توان با چهره‌های درخشان آنها نیز در این حوزه آشنایی پیدا کرد. یکی از این چهره‌ها هارون هاشم‌رشید از شاعران برجسته و تأثیرگذار ادب پایداری فلسطین در عصر معاصر است که برای نخستین بار در شعر خویش موضوع پناهندگی و آوارگی فلسطینیان را به تصویر کشیده است؛ اما برخلاف این ویژگی برجسته، کمتر به اشعار وی از منظر پایداری توجه شده است؛ از این رو، جستار حاضر سعی بر آن دارد که با بررسی اشعار پایداری وی زمینه‌ساز آشنایی بیشتر با این شاعر و مضامین شعرش گردد. از سویی دیگر، حسین اسرافیلی نیز از شاعران برجسته ایرانی به‌شمار می‌رود که این رویکرد در شعر وی نمود فراوانی دارد و وی آن را به‌عنوان یک سبک پویا با سبک عرفانی به‌صورت کم‌نظیری تلفیق داده است. همچنین از آنجا که متن شعری این دو شاعر تا حد بسیاری الهام‌گرفته از حوادث و رویدادهای موجود در کشورشان و نیز آینه تمام‌نمای آن است؛ بنابراین با بررسی شعر این دو می‌توان به اوضاع سیاسی، اجتماعی دو کشور و نیز ایدئولوژی فکری و دغدغه‌های دو شاعر مذکور و ادیبان و روشنفکران معاصرشان پی‌برد.

۱-۴- زندگینامه هارون هاشم‌رشید

هارون هاشم‌رشید در سال ۱۹۲۷م. در محله زیتون شهر غزه دیده به جهان گشود. در کودکی یورش تجاوزگران بریتانیا و تخریب خانه خانواده خویش و همسایگانش را شاهد بود. (الخضراء الجیوسی، ۱۹۹۷: ۲۴۵) بعد از جنایت سال ۱۹۶۷م. تا مدتی در روزنامه‌های غزه، اللواء، الرقیب و الوطن العربی مشارکت داشت. (عمرشاهین، ۱۹۹۲: ۵۰۱) وی از

شاعران دهه پنجاه فلسطین به شمار می‌رود که به «شاعران نکبت» یا «شاعران اردوگاه» مشهور گشته‌اند و در سال ۱۹۷۷م. جایزه نخست شعر عربی را از رادیو لندن تصاحب نمود. رشید اهتمام زیادی به موضوع آوارگان فلسطین داشته به گونه‌ای که اولین دیوان شعری خود با نام «مع الغرباء» (همراه با غریبه‌ها) را در سال ۱۹۵۴م. منتشر نموده و در آن به معضل از دست رفتن وطن و تأثیرات روز نکبت و آثاری که از آن بر ملت فلسطین برجای مانده، سخن گفته‌است؛ از همین رو می‌توان گفت اولین دیوان‌های شعری وی به موضوع پناهندگان فلسطینی و اردوگاه می‌پردازد. (همان: ۵۰۳)

این شاعر در سال ۱۹۵۴ به ریاست شبکه رادیویی مصری «صوت العرب» (صدای عرب) در غزه انتخاب شد. از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ به عنوان مسئول اطلاع‌رسانی سازمان آزادی‌سازی فلسطین در غزه فعالیت کرد و پس از آن به عنوان مدیر دفتر این سازمان در قاهره به مصر رفت. از لقب‌های وی می‌توان از «شاعر پیمان نامه ۱۹۴» یاد نمود که عزالدین منصوره، از شاعران مقاومت، این لقب را به او اعطا کرده‌است. (الخضراء الجیوسی، ۱۹۹۷: ۲۴۵) رشید بیش از ۲۰ دیوان شعری دارد که برخی از آنها عبارتند از: ۱- مع الغرباء. ۲- عودة الغرباء. ۳- غزه فی خط النار. ۴- حتی يعود شعبنا. ۵- المجموعة الشعرية الكاملة. ۶- یومیات الصمود والحزن و...

۱-۵- زندگینامه حسین اسرافیلی

حسین اسرافیلی متولد اول اسفند ۱۳۳۱ در تبریز، یکی از برجسته‌ترین شاعران دفاع مقدس به شمار می‌رود که در طول سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ در حوزه هنری حضوری فعال داشت. این شاعر در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ مسئولیت صفحه ادبی مجله «پیام انقلاب» را به عهده داشت و هم‌اکنون نیز عضو شورای شعر و موسیقی صداوسیما و شورای شعر نیروهای مسلح و بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس است. (سنگری، ۱۳۸۰: ۷۸) وی همواره در طول

جنگ تحمیلی به‌منظور حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و تقویت روحیه رزمندگان ساحت نبرد «به‌دفعات مکرر همراه با دیگر شاعران و به‌منظور شعرخوانی در نقاط مختلف رزم، عازم جبهه‌ها شده‌است.» (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۸۹) این شاعر در سال ۱۳۷۸ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان یکی از برترین شاعران دفاع مقدس در دهه‌های شصت و هفتاد برگزیده شده‌است. اشعار اسرافیلی اگرچه بیشتر در همان قالب‌ها و اوزان رایج در ادبیات کلاسیک سروده شده، اما با توجه به محتوای تازه و بی‌سابقه آن و سخن گفتن از موضوعاتی نو در واقع شعری نو و منطبق با جامعه زمان خود است. (پولادی و علیقلی‌زاده، بی‌تا: ۲) مهم‌ترین مجموعه شعر وی «تولّد در میدان» است و «آتش در خیمه‌ها»، «مجموعه شعر عاشورایی»، «عبور از صاعقه»، «گزیده ادبیات معاصر شماره ۵»، «مردان آتش‌نهاد»، «آتش در گلو»، «آینه‌های شعله‌ور»، «صخره و پلنگ» و «دو پنجره» نیز از دیگر سروده‌های اوست.

۲- بحث

۲-۱- خاستگاه ادبیات پایداری

ریشه‌های پایداری در دوره جاهلی به‌صورت واضح دیده می‌شود. از جمله مضامین آن دوران می‌توان به مقابله در برابر شرایط سخت طبیعی، جنگ با امپراطوری ایران و روم و رویارویی با مرفهین بی‌دردی که از احوال نیازمندان خبر نداشته‌اند، اشاره نمود. (سعد، ۲۰۰۴: ۱۲) نخستین متن ادبیات پایداری در فرهنگ ناب اسلامی، قرآن کریم است که در ستایش پیکارکنندگان راه حق چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانًا مَرصُوصًا» (صف/۴)؛ خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد.

ادبیات پایداری، در مفهوم امروزی خویش بعد از جنگ جهانی دوم و با انحصارطلبی دولت‌های اروپایی و آمریکا شکل گرفت. حوادث قرن بیستم مانند شکل‌گیری رژیم

صهیونیستی و اشغال فلسطین و تهاجم به کشورهای اردن، سوریه، لبنان، مصر و انقلاب اسلامی ایران سبب آفرینش آثار یگانه‌ای در حوزه ادبیات پایداری ملل شرقی و اسلامی گردید. (شکری، ۱۳۶۶: ۹۱) این رویکرد در جهان عرب به تدریج پس از آگاهی اعراب از جنبش‌های شکل گرفته در اروپا از اواخر قرن نوزدهم میلادی مطرح گردید؛ یعنی درست همان زمانی که ملت‌های عرب از ستم‌های دولت عثمانی به ستوه آمده و از نقشه‌های استعمار آگاهی یافته بودند. وقتی که جهان عرب شاهد بیشترین درگیری‌ها، انقلاب‌ها، جنبش‌ها و تغییر و تحولات در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری و تمدنی بود، در چنین فضایی بود که سرایندگان عربی به تدریج و با غلبه روح نوگرایی که محصول شرایط آن برهه زمانی و همچنین نتیجه آشنایی آنان با ادبیات به وجود آمده در غرب بود، از زندگی سرشار از درد و رنج اعراب سخن گفتند و شعرشان آهنگ تحولات عصرشان گردید. (أبو حاقه، ۱۹۷۹: ۳۸۷)

«ناقدان معاصر عرب بر این باورند که مهم‌ترین بازده ادبی جنگ اعراب و اسرائیل، پیدایش ادبیات پایداری فلسطین است. در سال ۱۹۶۶م. غسان کنفانی، رمان‌نویس معروف کتاب *أدب المقاومة فی فلسطین المحتله* را منتشر کرد و ادبیات پایداری را به خوانندگان داخل و خارج فلسطین معرفی نمود.» (کیانی و میرقادی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

شعر فارسی دهه شصت نیز عمدتاً از جنس شعر پایداری به شمار می‌آید. این جریان به طور کلی از آثار ادبی انقلاب مشروطه آغاز شده و در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی و از دهه ۳۰ به بعد اوج گرفته است. شاملو، اخوان، کسرائی و ... گروه اصلی شاعران مبارز بودند و در طرف دیگر، گروه شاعران چریکی همچون: خسرو گل‌سرخ، سعید سلطان‌پور، جعفر کوش‌آبادی و ... قرار داشتند. از اواسط دهه ۴۰ گروه شاعران انقلابی و دین‌گرا نیز به صف شاعران مقاومت و مبارزه پیوستند. چهره‌هایی مانند: مهرداد اوستا، محمود شاهرخی، حمید سبزواری، طاهره صفارزاده، نصرالله مردانی، احمد عزیزی و علی معلم از نخستین کسانی بودند که شعر انقلاب اسلامی را شکل دادند. این گروه با استفاده از مفاهیم دینی و مذهبی و

طرح جامعه آرمانی به جریان شعر متعهد انقلابی قوت بخشیدند. حرکت این گروه تا سال‌های اوج‌گیری انقلاب اسلامی که شعرها به بیانیه‌های سیاسی تبدیل شد، ادامه داشت. در سال‌های پس از انقلاب، شعر انقلاب اسلامی نیز رفته‌رفته پربارتر از قبل گشت. بعد از انقلاب، شاعران جوانی همچون: قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی و سلمان هراتی سربرآوردند که در نوع بیان، تازگی‌هایی را در شعر وارد ساختند. اینان به همراه شاعرانی دیگر در حوزه اندیشه و هنر اسلامی پایه‌گذار شعر انقلاب شدند. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۹)

۲-۲- مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر دو شاعر

ادبیات پایداری مؤلفه‌های بسیاری دارد، اما آنچه در این پژوهش به‌عنوان بن‌مایه‌های این نوع ادبیات در شعر دو شاعر مذکور موردنظر است، شامل وطن‌گرایی، ترغیب به مبارزه، تجلیل از شهیدان و... است که در اینجا به ذکر هر کدام با استناد به شواهد شعری پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- وطن‌گرایی

وطن‌دوستی و حفظ هویت ملی، سنگ‌بنای دستیابی به هویت انسانی است. همواره هویت ملی و به تعبیر دیگر، مجموعه‌ای از زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، شعائر دینی، اساطیر و داستان‌های قومی در هر سرزمینی از قداست و ارزشی خاص برخوردار بوده و خاستگاه بروز و نمایش دلاوری‌ها، پهلوانی‌ها و جانفشانی‌ها در بحبوحه رویدادهای سهمگین و خانمان‌سوز شده‌است. (حجازی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۳) در همین زمینه هارون هاشم‌رشید از جمله شاعرانی است که به مام وطن عشق ورزیده و این موضوع در سراسر شعر وی نمودار است؛ تا جایی که جزء اصلی دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های او گشته‌است. وی مانند بسیاری از شاعران عرب موضوع فلسطین و مظلومیت مردم آن را یکی از موضوعات بنیادی شعر خویش قرار داده و همواره به دفاع از سرزمینش که آماج هجوم ددمنشانه استعمار و تجاوز قرار گرفته‌است، می‌پردازد و این

مضمون در شعر وی به منزله تراژدی غم‌باری به‌شمار می‌رود که بازتاب آن محاکمه وجدان‌های خفته بشری است. وی در وصف وطن چنین می‌سراید:

«بِلاَدُنَا بِلاَدُنَا/ مِینَ أَجْلِهَا جِهَادُنَا/ مِینَ أَجْلِهَا إِسْتِشْهَادُنَا/ بِلاَدُنَا بِلاَدُنَا/ الموزُ وَالسَّنوبَرُ وَالْبِرْتَقَالُ
الْأَخْضَرُ» (رشید، ۱۹۵۶: ۵۲)؛ سرزمین ما، سرزمین ما/ جهاد ما به‌خاطر آن است/ شهادت ما به-
خاطر آن است/ موز و صنوبر و پرتقال سبز.

شاعر در اینجا در وصف وطن، آن را مورد خطاب قرار می‌دهد و با تکرار پربسامد و معنادار واژه «بلادنا» می‌کوشد فضایی خلق نماید که در آن تأکید بر مالکیت برحق فلسطینیان محور اساسی و بنیادی قرار گیرد. وی همچنین طی یک سفر جغرافیایی با به‌کارگیری نمادهایی همچون: «موز»، «صنوبر» و «پرتقال» گریزی به مناطق سرزمین خویش می‌زند.

از سوی دیگر، وطن‌دوستی با گرایشی آیینی و انقلابی در شعر دفاع مقدس نیز به‌کار رفته-
است. عشق به وطن و توصیف عظمت و استواری آن از جمله مضامینی است که اسرافیلی در شعر خویش بدان پرداخته‌است:

در ابرها خاک سترون آب می‌خواست از پنجره چشم وطن مهتاب می‌خواست
(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۲۴)

نیز:

از هجوم زخم چنگیز و تتار در کبودای تن تو یادگار
(همان: ۶۶)

۲-۲-۲- پاسداشت و تکریم مقام شهیدان

از نشانه‌های تعهد و عشق شاعر به وطن خویش، تکریم و تحسین هر عمل بشردوستانه و نیک در راه آن است. از جمله این اعمال، شهادت، ایثار، جهاد و جانفشانی در راه وطن است که این مقوله امروزه حجم وسیعی از اشعار شاعران را به خود اختصاص داده‌است. در همین راستا بحث از شهید و شهداء و تجلیل از آنان به‌عنوان قهرمانان ملی یکی از درون‌مایه‌های

پرتکرار در شعر پایداری رشید به‌شمار می‌رود. وی غالباً شهداء را با صفاتی متعدد توصیف می‌کند که از جمله آنها «النسر»، «عاشق الأرض»، «شهید الحق» و صفاتی از این نوع است. وی به‌عنوان نمونه در شعر زیر از زبان شهیدی که جان خویش را در راه وطن فداء می‌نماید، چنین می‌سراید:

«نَسْرٌ أَنَا مُتَمَرِّدٌ مُتَقَدِّمٌ مُنَوِّحٌ الْمِنْقَارِ وَالسِّمَاءِ
نَسْرٌ أَنَا هَذَا جَنَاحِي كَاسِحٌ الْأَلْغَامِ مُنْدَفِعٌ إِلَى الْعَلْيَاءِ
أَقْسَمْتُ لَنْ أَلْقِيَ السَّلَاحَ وَرَمَلَةً مِنْ وَطَنِي فِي قَبْضَةِ الْأَعْدَاءِ
وَقَالَ: وَرَحَّفْتُ وَالْأَسْلَاقُ تُشْرِبُ مِنْ دَبِي وَالصَّخْرُ يَنْهَالُ مِنْ عَطَاءِ عَطَائِي
أَنَا ثَائِرٌ، وَالرَّيْحُ تُحْبَسُ فِي يَدِي لِأَعْيِدَهَا، نَارًا عَلَى أَعْدَائِي»
(رشید، ۱۹۹۸: ۲۱-۲۲)

من عقاب هستم، سرکش، پیشتاز / (دارای) منقار و سیمایی نورانی و درخشان / من عقاب هستم، این پر و بال من قطع‌کننده (از بین برنده) مین‌ها، رونده به‌سوی آسمان است / سوگند یاد نمودم که (تا وقتی که) یک دانه شن و ماسه از وطنم در اختیار دشمنان است، هرگز این اسلحه را کنار نگذارم / و گفت: درحالی که چهاردست‌وپا راه می‌روم (می‌خزم) و سیم‌های (خاردار) از خون من می‌نوشند / و درحالی که صخره‌ها از بخشش بخشش من دچار ریزش می‌شوند / من یک انقلابی هستم و باد در دستم محبوس است / تا آن را درحالی که به صورت آتشی بر دشمنانم می‌گردد، بازگردانم.

در اینجا شهید، سرکش، پیش‌قراول و دلاوری است که از مرگ نمی‌هراسد، عقابی است که جایگاه او بر بلندی‌هاست و کرامت و بزرگی‌اش مانع پذیرش ذلت و خواری اشغال می‌گردد و سوگند خورده‌است که سلاحش را تا زمانی که یک دانه شن و ماسه از وطنش در دست اشغالگران است، کنار نگذارد. وی مجاهدی است که به‌خاطر خاک وطنش خود را فدا نموده‌است. شاعر در اینجا کلمه «نسر» را به‌خاطر دلالت بر جایگاه و منزلت والای شهیدان و

تأکید بر این عقیده که آنان همواره در اوج و قله بزرگی و شرافت یکه تازی می کنند، تکرار نموده است.

اسرافیلی نیز به موضوع شهادت و وصف شهیدان بسیار اهتمام ورزیده است. وی در توصیف این قهرمانان به سبب همدلی و تحکیم روحیه وحدت و اتحاد، که از نگرش دینی و مذهبی وی نشئت می گیرد، اغلب از ضمائر و شناسه های جمع بهره می گیرد و کل شهیدان را توصیف می نماید:

«چشم خونبارتان تبسم داشت / غرقه خون در میانه چرخیدید / جانان با خدا تکلم داشت / زخمتان رنگی از تبسم داشت.» (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۳)

۲-۲-۳- پاسداشت اسوه ها و رهبران پایداری

شخصیت های دینی و انقلابی همواره نقش برجسته ای در شعر هاشم رشید ایفا می کنند. از جمله اسوه های پایداری که حضورش در دیوان های این شاعر بسامد بالایی دارد، رئیس جمهور مصر، جمال عبدالناصر است که از نظر شاعر، جنگجو و سوارکار دلاوری است که ملت فلسطین را از ذلت و خواری تجاوز و اشغال می رهاند. وی در وصف این شخصیت انقلابی چنین می سراید:

«قُولُوا لَهُمْ. نَادَى جَمَالُ. فَنَزَلَ الدُّنْيَا نِدَاءً / سَيَّرِيلُ إِسْرَائِيلَ مِنْ فَلَكَ الْوُجُودِ الدَّائِرِ / وَكَسُوفَ يَجْمَعُ شَمْلَ أُمَّتِهِ بِعَزْمٍ قَادِرٍ / سَيَّضِيءٌ فِي أَوْطَانِهِ نُورًا لِكُلِّ مُغَامِرٍ / وَرَاءَهُ تَمَشِي الْجُمُوعُ.. جُمُوعُ شَعْبٍ ثَائِرٍ / عَجَبًا لِمَنْطِقِكَ الْغَرِيبِ.. وَلِلْيَانِ الْمَاكِرِ / سَيَدُوسُ كُلَّ مُخَادِعٍ وَمُخَاتِلٍ وَمُتَأَمِّرٍ» (رشید، ۱۹۸۱: ۲۱۲)؛ به آنها بگویید.. جمال ندا سرداد.. و ندای وی دنیا را به لرزه درآورد / (این ندا) اسرائیل را از سپهر هستی جاری از بین خواهد برد / و گروه های ملت وی را با عزم و اراده ای نیرومند، جمع خواهد نمود / در وطن هایش نوری را برای هر حادثه جو و ماجراجویی روشن خواهد ساخت / پشت سر وی این گروه ها حرکت می کنند.. گروه های مردم انقلابی / شگفتا از

منطق عجیب.. و زبان آوری افسونگرانه و فریبکارانه‌ات / که هر نیرنگ‌باز و فریبکار و مستبدی را زیر پا لگدمال خواهد نمود.

شاعر در این ابیات، بازستانی فلسطین و براندازی رژیم اسرائیل را به‌عنوان مسئولیتی سنگین و سرنوشت‌ساز برعهده جمال عبدالناصر قرار می‌دهد و وی را به‌مثابه رهبری دلاور و قدرتمند می‌داند که سبب تحکیم وحدت اعراب است. از سوی دیگر، نیرنگ‌بازان و کسانی را که با اسرائیل همدست هستند به حشراتی توصیف می‌کند که توسط این فرمانده شجاع زیر پا لگدمال می‌شوند و از بین می‌روند. شاعر در اینجا با به‌کارگیری ظریف و ماهرانه اسلوب طنز ادبی، دشمن و کارگزارانش را به باد تمسخر می‌گیرد و اعمال آنان را سناریویی تکراری و از پیش تعیین شده می‌داند که بازیگران آن، رژیم اشغالگر و اعراب خیانتکار و تباری‌کننده با آن هستند. وی در این سروده با بی‌باکی و نیشخندی تلخ، که به نوعی از ویژگی ترمّد و تسخیرناپذیری وی ناشی می‌شود، واقعیت‌های جامعه عرب را بازگو می‌کند تا بدین شیوه نقاب از چهره نیرنگ‌بازان و خائنان بردارد و اجازه ندهد که اعمال زشت و پلید آنان برخلاف واقعیت به مردم نشان داده شود. نکته‌ای که در اینجا باید خاطر نشان ساخت این است که شاعر حرف «سین» را که - برخلاف حرف «سوف» - دلالت بر آینده نزدیک دارد، در برخی فعل‌ها همچون: «سیزیل» و «سیدوس» تکرار نموده‌است تا عنوان کند که آمال و آرزوهای ملت عرب به‌دست این فرمانده قهرمان و در آینده‌ای نزدیک تحقق می‌یابد.

از سوی دیگر، بخشی از محتوای شعر اسرافیلی را نیز وصف شخصیت‌های انقلابی و رهبران دینی؛ به‌ویژه امام خمینی (ره) به خود اختصاص داده‌است مانند سروده زیر:

«... باری / ترا به کدامین دیار عشق / سوی مذبوح اخلاص می‌برند / که دارهای بلند نجابت / از
عطر حلاج و میثم آکنده‌ست.» (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۲۹)

۲-۲-۴- توصیف شرایط قبل و بعد از اشغال و انقلاب

یکی دیگر از محورهای اصلی شاعران پایداری، توصیف شرایط جنگ و اشغال و پیامدهای منفی آن است. در همین راستا رشید در یکی از سروده‌های خویش، میان زندگی فلسطینیان پیش از اشغال و پس از آن مقایسه‌ای انجام می‌دهد و معتقد است که مردم سرزمینش پیش از اشغال آزاد و رها بودند، هر آنچه می‌خواستند، می‌خوردند و هر کجا می‌خواستند، می‌رفتند. اما این وطن به تدریج پس از اشغال به زندانی سرشار از غم و اندوه و درد و حسرت تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که مردم آن در سرزمین خویش بسان غریبگانی گشته‌اند که شادی و سرور از میان آنان رخت بر بسته و نصیب کسانی شده است که در حقیقت هیچگونه حقی بر این سرزمین نداشته و نخواهند داشت. شاعر در اینجا با تأکید بر مفهوم اشغالگری و پیامد منفی آن که در چهارچوب آزادی به یغما رفته و وطن از دست رفته ترسیم گشته است، سعی دارد حقیقت تلخی را که فلسطینیان در آن زندگی می‌کنند بعد از یک انتقال ذهنی و انتزاعی از مرحله ارادی به مرحله جبری و ناخواسته به تصویر بکشد:

«كُنَّا فِي الْعَالَمِ / طُلُقَاءَ / كُنَّا أَحْيَاءَ / كُنَّا نَأْكُلُ / وَنَشْرَبُ / نَرْتَادُ / أَيَّ مَكَانٍ / كُنَّا نَرْتَادُ / وَالْيَوْمَ هُنَا / نَتَقَلَّبُ / فِي الْأَصْفَادِ / لَا بَابَ / يَفْتَحُ / فِي أَوْجِهِنَا / لَا أَسْعَادَ / حَتَّى كَلِمَاتِ اللَّهِ / تَنَاسْتَنَا / حَتَّى الْأَعْيَادِ / وَيُقَالُ لَنَا / أَرْضُ الْمِعَادِ / بِئْسَ الْمِعَادُ» (رشید، ۱۹۸۱: ۵۳۰)؛ ما در جهان، آزاد بودیم / زنده بودیم / می‌خوردیم / و می‌نوشیدیم / به هر مکانی رفت و آمد می‌کردیم / رفت و آمد می‌کردیم / و امروز اینجا در غل و زنجیرها دچار دگرگونی و بی‌ثباتی هستیم / نه دری در مقابلمان گشوده می‌شود / نه کامروایی و نیکبختی‌ای / حَتَّى کلمات پروردگار و اعیاد (نیز) / تظاهر به فراموشی ما کرده‌اند / و به ما گفته می‌شود / زمین میعادگاه / چه بد وعده گاهیست.

نکته‌ای که باید خاطر نشان ساخت این است که شاعر در این ابیات با تکرار فعل ناقصه «كُنَّا» به دگرگونی و عدم ثبات شرایط فلسطینیان از مرحله آزادی به اسارت و دربند کشیده شدن با غل و زنجیر اشغالگران دژخیم اشاره می‌نماید.

اسرافیلی نیز در برخی اشعار خویش همچون: «مطلع الفجر» و «کاروانی همه بارش خورشید»، شرایط قبل و بعد از انقلاب را توصیف و مقایسه نموده‌است:

«بادها زوزه‌کشان/ تیغ در دست و حرامی‌گونه/ خواب را در صدف آبی باغ/ در شب زشت/ پریشان می‌کرد/.../ با فلق آمد و خوش خواند بشیر/ کاروانی همه بارش خورشید/ دارد از گردنه می‌آید و می‌باشد نور...» (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۱۹-۲۲)

اسرافیلی برخلاف رشید، شرایط قبل از انقلاب را شرایطی دشوار و ظالمانه تلقی کرده که به مردم تحمیل گشته‌است و با به‌کارگیری فعل‌های ماضی «می‌کرد»، «آمد» و «خواند» به خوبی این شرایط را به گذشته پیوند می‌دهد سپس با یک انتقال سریع و با به‌کارگیری فعل‌های مضارع «می‌آید» و «می‌باشد» نوید آینده‌ای امیدبخش را می‌دهد که سپیده‌دم انقلاب با مردانی آسمانی که با انقلاب مقدس خویش برگه‌نویسی در دفتر پایداری و مبارزه رقم زده‌اند، بشارت آزادی از یوغ مستبدان و به پایان رسیدن آن شرایط طاقت‌فرسا را می‌دهد. شاعر در این سروده با تکیه بر پشتوانه‌های عرفانی و حماسی و همچنین ویژگی ایجاد ارتباط ذهنی و انتزاعی با مخاطب، تصویری فرازمانی خلق می‌نماید که به زمان خاصی محدود نمی‌گردد و تلفیق دو عنصر عرفان و حماسه در آن سبب ماندگاری‌اش گشته‌است. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز این سروده جنبه‌روایتگری آن است که سبب گشته با زبانی مطبوعاتی و فاقد تخیل و تصویرسازی فنی و مناسب و همچنین با به‌کارگیری استعاره‌هایی ساده و کلیشه‌ای، که ذهن مخاطب را بی‌درنگ به سوی معنای نهفته در بطن خویش رهنمون می‌سازد تنها بیانی صریح و گزارشی از وقایع جنگ باشد.

۲-۲-۵- تشویق و ترغیب به مبارزه

شاعران از جمله عناصر تأثیرگذار در جامعه هستند که با بهره‌گیری از تخیل عمیق و نیرومند خویش، زبان و واژگان موردنظرشان را برگزیده و اندیشه‌های برترشان را به تصویر می‌کشند و

این همان سرّ رسایی، تاثیرگذاری و جاودانگی اشعار آنان است که سبب شده است همواره در تحولات جامعه نقشی کلیدی ایفا نمایند. یکی دیگر از ویژگی های شعر آنان، مردمی بودن آن است که پیوندی عمیق و ریشه دار میان این گروه و مردم جامعه اشان ایجاد نموده است. رشید از جمله این شاعران است که همواره در عرصه استعمارستیزی هنرنمایی کرده و با اشعار خویش مردم را به پایداری فراخوانده است.

وی در یکی از سروده های خویش در زمینه پایداری و مبارزه، بر حق آزادی که یک حق مشروع بشری به شمار می رود، به شدت پافشاری می کند و معتقد است برای نیل به این آرمان متعالی باید تا آخرین لحظه و آخرین نفس استقامت ورزید هرچند که نتیجه این عمل به مرگ

بینجامد:

«سَمَضِي وَتَمَضِي نَشُقُّ الرِّيحَ وَنَقْتَحِمُ الْهَوْلَ مَا أَرَعَدَا
نَمُوتُ. نَمُوتُ وَتَحْيَا لَنَا مَنَارُ الْخُلُودِ فِلَسْطِينَا
سَنَاتِي إِلَيْهَا نَهَزُ الْقَنَا وَتَحْمِي حِمَاهَا بِجِدِّ الْمَدَى
سَنَطْرُدُ مِنْ أَرْضِنَا الْأَجْنَبِيِّ وَتُلْقِي بِهِ فِي غِمَارِ الرَّدَى»
(رشید، ۱۹۸۱: ۱۹۶)

قاطعانه ادامه خواهیم داد و ادامه می دهیم تا بادها را بشکافیم / و وارد کارزار سهمگین سختی ها و مصیبت ها، که لرزه بر اندام ما نینداختند، می شویم / می میریم.. می میریم / و گلدسته های جاودانگی، فلسطین ما را برایمان زنده می کنند / به سوی آن (فلسطین) خواهیم آمد نیزه ها را به جنبش درمی آوریم / و از شرافت و ناموس آن با نهایت تلاش حمایت می کنیم / از سرزمین خود، بیگانه را طرد خواهیم نمود / و او را در بدترین (نوع) مرگ و هلاکت گرفتار می سازیم.

شاعر در اینجا با به کارگیری چند جمله فعلیه پی درپی همچون «سَمَضِي»، «نَمَضِي»، «نَمُوتُ»، «تَحْيَا»، «سَنَاتِي» و «سَنَطْرُدُ»، که نمایانگر حدوث و استمرار تجدیدی با هم است، سعی دارد معنای استمرار و ادامه مبارزه و تلاش برای نیل به آزادی را به مخاطب القاء نماید و از این

رهگذر به برانگیختن حس آزادی‌طلبانه فلسطینیان تا تحقق آرمان والای آنان پردازد. همچنین می‌توان چنین برداشت نمود که کاربرد این جملات پیاپی به نوعی به آینده‌نگری شاعر نیز دلالت دارد.

از سویی دیگر شعر اسرافیلی نیز، شعری کارکردگرا است و هدف آن، ترغیب مردم و رزمندگان برای مبارزه و دفاع از مام وطن و حفظ شرافت آن است؛ بنابراین، کاربرد افعال امری در آن جلوه‌ای بارز دارد:

خیز قامت به قامتش بندیم (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۱۰)
و نمونه دیگر:

برخیز ای برادر، بانگی دگر درافکن با خیل پاسداران: لَبیک یا خمینی
(همان: ۱۸)

شاعر با به‌کارگیری واژه‌هایی همچون «برادر» و «پاسدار» که از واژگان پربسامد در شعر شاعران دفاع مقدس به‌شمار می‌روند، سعی دارد فضایی خلق نماید که در آن این واژگان معنایی مقدس‌گونه می‌یابند و به‌عنوان عناصر حماسی و سرنوشت‌ساز به کار می‌روند.

۳- نتیجه‌گیری

شعر پایداری، شاخه‌ای از ادبیات صادقانه و متعهد است که امروزه مورد توجه شاعران و ادیبان بسیاری واقع شده است. این رویکرد تنها نمایانگر دگرگونی در مضمون و محتوا نیست؛ بلکه نمایشگر دگرگونی در قالب و اسلوب نیز هست. با بررسی ادبیات پایداری در شعر فلسطین و ایران درمی‌یابیم که این نوع ادبیات در بین شاعران و نویسندگان دو سرزمین جوهره اصلی و واحدی به نام ستیزه‌جویی در برابر هرگونه ظلم و ستم دارد که در اشعار شاعران آنها به‌خوبی مشهود است و همین جوهره آنان را به سوی اهداف و آرمان‌های متعالی سوق می‌دهد. از جمله این شاعران متعهد هارون هاشم‌رشید، شاعر فلسطینی است که اشعار وی اشعاری انسانی و

بیانگر درد پناهندگی و آوارگی فلسطینیان و نیز پایداری و مبارزه آنان است. از سویی دیگر در میان شاعران انقلاب اسلامی ایران و شاعران دفاع مقدس نیز حسین اسرافیلی رویکرد و نگرشی مشابه این شاعر عرب در پرداختن به مسئله پایداری دارد.

۱- با مطالعه اشعار این دو شاعر می‌توان دریافت که مسئله پایداری و مؤلفه‌های آن، حجم وسیعی از اشعار این دو شاعر را به خود اختصاص داده و سبب شده‌است که آنان به‌عنوان شاعران پایداری شناسانده شوند.

۲- از جمله مهم‌ترین بن‌مایه‌های پایداری در شعر آنان می‌توان به وطن‌گرایی، پاسداشت و تکریم مقام شهیدان، پاسداشت اسوه‌ها و رهبران انقلابی، توصیف شرایط قبل و بعد از اشغال و انقلاب و ترغیب به مبارزه اشاره نمود.

۳- انگیزه هر دو شاعر از بازگویی این‌گونه مفاهیم در شعر خویش، آگاه‌سازی ملت و تشویق آنان برای مبارزه و به‌تبع آن اصلاح جامعه بوده‌است.

۴- در زمینه اسلوب نیز رشید در این‌گونه اشعار، اسلوبی ساده و روان و در عین حال حماسی و پرطش و خروشان دارد و از به‌کارگیری واژگان پرطمطراق، که بیان نخبگی است به شدت گریزان است. درحالی‌که اسلوب اشعار پایداری اسرافیلی، اسلوبی نمادگونه است و شاعر با به‌کارگیری عناصر عرفانی و اساطیری شعر خویش را پیچیده و مبهم ساخته‌است.

۵- از سویی دیگر، کاربرد جملات فعلیه در اشعار رشید نسبت به شعر اسرافیلی پیشی دارد که نمایانگر آینده‌نگری و خوش‌بینی و امیدوی به آینده‌سرزمینش است.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱- قرآن کریم

- ۲- آل احمد، جلال. (۱۳۵۸). **نامه‌ها (جلال آل احمد و اعراب و اسرائیل)**. تهران: بی‌نا.
- ۳- أبو حاقه، أحمد. (۱۹۷۹). **الإلتزام فی الشعر العربی**. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۴- اسرافیلی، حسین. (۱۳۶۴). **تولد در میدان**. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
- ۵- ----، ----. (۱۳۷۵). **تیغ و آفتاب**. تهران: انتشارات نمایندگی ولایت فقیه در نیروی زمینی سپاه.
- ۶- بیگی حبیب‌آبادی، پرویز. (۱۳۸۲). **حماسه‌های همیشه**. جلد اول. تهران: فرهنگ گستر.
- ۷- الخضراء الجیوسی، سلمی. (۱۹۹۷). **موسوعة الأدب الفلسطینی المعاصر**. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- ۸- الرشید، هارون هاشم. (۱۹۸۱). **الدیوان**. دارالعودة.
- ۹- ----، ----. (۱۹۹۸). **طیور الجنة**. دارالشروق.
- ۱۰- ----، ----. (۱۹۵۶). **عودة الغریب**. بیروت.
- ۱۱- ----، ----. (۱۹۵۷). **غزة فی خط النار**. دارالشروق.
- ۱۲- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**. جلد دوم. تهران: پالیزان.
- ۱۳- شکر، عالی. (۱۹۷۹). **أدب المقاومة**. بیروت: دارالآفاق الجديدة.
- ۱۴- عمرشاهین، أحمد. (۱۹۹۲). **موسوعة کتاب فلسطین فی القرن العشرين**. دمشق: دائرة الثقافة منظمة التحرير الفلسطینیة.
- ۱۵- کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۹۰). **ده شاعر انقلاب**. تهران: سوره مهر.

ب. مقاله‌ها

- ۱- پولادی، حمید و علیقلی‌زاده، حسین. (بی‌تا). «تحلیل ساختاری و بلاغی سه دفتر شعر حسین اسرافیلی به‌عنوان شاعر دفاع مقدس». کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. صص ۱۰۳۶-۱۰۶۷.
- ۲- حجازی، بهجت‌السادات و رحیمی، فائزه. (۱۳۹۰). «وطن‌دوستی در سروده‌های اخوان ثالث و ایلیا أبو‌ماضی». نشریه ادبیات تطبیقی (علمی- پژوهشی). دوره جدید. سال سوم، شماره ۵. صص ۷۳-۹۹.
- ۳- سعد، قنديل ابراهيم. (۲۰۰۴). «من صدور المقاومة في الشعر العربي القديم». الأسبوع الأدبي، العدد ۹۰۱. صص ۷۸-۱۰۰.
- ۴- کیانی، حسین و میرقادری، سید فضل‌الله. (۱۳۸۸). «شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان». نشریه ادبیات پایداری. سال اول، شماره ۱. صص ۱۲۷-۱۴۲.